

چگونگی متحول گردیدن قاعده بازی های سیاسی در کشور اجنداهای عمیق سیاسی و قومی را نباید دست کم گرفت منفی گرایی های بیمارگونه را باید هوشیارانه کنار زد

آیا پروسه عینی وزیرزمینی در شرف تکوین می باشد یا برگشت عقلانیت بمدار امور؟
دلایل دقیق "فروپاشی تمدنی" بمثابة آمیزه ای از تغییرات تحمیلی و داوطلبانه
آیا سکوت غیر عادلانه را می توان بمفهوم استبداد تلقی نمود؟
تلاش بمنظور هدایت بقیه بازی

نظریه بازی یا نگره بازی با استفاده از مدل های ریاضی به تحلیل روش های همکاری یا رقابت موجود
ات هوشمند می پردازد. نگره بازی در تلاش است تا بوسیله ریاضیات، رفتار را در شرایط راهبردی یا
دریک بازی که در آنها موفقیت فرد در انتخاب کردن وابسته بانتخاب دیگران میباشد، برآورد کند. نگره
بازی تلاش می کند تا رفتار ریاضی حاکم بریک موقعیت راهبردی را مدل سازی کند. این موقعیت زمانی
پدید می آید که موفقیت یک فرد وابسته به راهبردهایست که دیگران انتخاب می نمایند. هدف نهایی این
دانش یافتن راه بهینه برای بازیکنان است. در ابتدا، نگره بازی معادل با بازی مجموع صفر بود که در
آن سود یا زیان یک شرکت کننده دقیقن متعادل با زیان ها یا سودهای سایر شرکت کننده ها می باشد و با
زیکن ها چیزی را بدست می آورند که بازیکن های دیگر آنها از دست داده باشند. امروز نگره بازی به
مثابه یک واژه مادر برای علوم که به تحلیل رفتار منطقی متقابل انسان ها می پردازد، می باشد. یک
بازی شامل مجموعه ای از بازیکنان، مجموعه ای از حرکت ها یا راهبردها و نتیجه مشخصی برای هر
ترکیب از راهبردها می باشد. پیروزی در هر بازی تنها تابع بخت و شانس نمی باشد، بلکه اصول و
قوانین ویژه خود را دارد و هر بازیکن در امتداد سعی می کند با بکارگیری آن اصول، خود را به بُرد نزد
یک نماید. نگره بازی در مطالعه طیف گسترده ای از موضوعات کاربرد دارد. از جمله نحوه تعامل تصمیم
گیرندگان در محیط رقابتی بشکلی که نتایج تصمیم هر عامل، مؤثر بر نتایج کسب شده سایر عوامل میباشد.
درواقع، ساختار اصلی نگره بازی ها در بیشترین تحلیل ها بگونه چند بُعدی میباشد که در هر بُعد مجموعه
ای از گزینه ها قرار گرفته اند. در صورتی که پیش شرط های یاد شده بهر دلیل رعایت نگردد، یا بایستی
در انتظار نوزایی ساختار جدید دیگری از منطق تحلیلی بازیگران متعامل بود یا بدلیل عدم پیشبیتنی گزینه
ها و نتایج حاصل از انتخابها بیشتر باشد، عدم قاطعیت درین تاکتیک کاهش مییابد. نوعی از بازی نیز وجود
دارد که بدلیل نبود امکان برآورد احتمال وقوع نتایج در آنها وجود ندارد، به بازیهای ابهام شهرت دارند.

با در نظر داشت واقعیت های موجود در عرصه یاد شده، یاددهانی این مسأله در خور اهمیت پنداشته می شود که بازی
های مورد نظر در سرزمین و اراضی میهن عزیز ما افغانستان کاترا بمثابة مرکز "بازی بزرگ" می پندارند، آغاز گردید.
بنابراین، عطف توجه به تکوین تحولات و تغییرات قبلی، آنچه در اوضاع و احوال کنونی در کشور اتفاق می افتد و آنچه
در آینده اوضاع در کشور متصور است، از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. اوضاع پیچیده ژئوپولیتیک و ژئو
ستراتیژیک، بویژه در منطقه، اختلافات و ضد و نقیض گویی هایی در سطوح ورده های مختلف "طالب" ها و حاکمیت
کنونی در کشور، بی ثباتی در سیاست و ازیک شاخه بشاخه دیگر پریدن "طالب" ها، با کمال تأسف و تألم که کشور را بار
دیگر بسمت اوضاع غیر قابل پیشبینی سوق خواهد داد. موقف نادرست اداره و اشنگتن در مورد فراخواندن نظامیان
ایالات متحده از کشور عزیز ما افغانستان و موضعگیری های چند پهلوئی آن کشور، وضعیت در کشور ما را بیش از هر
موقع دیگر، بگونه غیر قابل قبولی مبدل نمود. اما بر بنیاد اظهارات برگزار کننده گان مذاکرات و گفتگوها میان نمایند
های "طالب" ها و مقامات فدراسیون روسیه، گروه حاکم در کابل، نماینده های شان را که نه به صفت شرکت کننده های
نشست یاد شده، بلکه بمثابة مهمان در این گردهمایی دعوت شده بودند به مسکو فرستادند، اما جانب مسکو تأکید به
عمل آورد که یک هیأت نمایندگی از یک سازمان ممنوعه در امتداد سال ۱۴۰۰ بمنظور شرکت در کار مجمع اقتصادی
سن پترزبورگ وارد آن کشور گردیدند. مسکو برای نخستین مراتبه به دیپلومات افغان، بنمایندگی از مقامات جدید

در کابل اعتبارنامه صادر نمود. وزیر امور خارجه روسیه اظهار نمود کاصلن قصد مذاکره و گفتگو با هیأت یادشده در کازان را ندارد. نماینده ویژه رئیس جمهوری روسیه افزود که فدراسیون روسیه در صورت انجام عملی تعهدات "طالب" ها در قبال جامعه جهانی، ممکن در امر برسمیت شناختن حاکمیت آنها با اقدامات عملی متوسل گردد. قابل یاد دهانی پنداشته می شود که همه منتظرند تا "طالب" ها، از جمله شرط های مطرح شده و درگام نخست به حل و فصل و اتخاذ تصمیم در تداوم مبارزه با قاچاق موادمخدر و همچنان در امر مبارزه با مجموع تروریست ها در افغانستان به اقداماتی متوسل گردند. مقامات فدراسیون روسیه، قبل از همه و بیشتر از سایر موارد موجود، در مورد بستن دفترهای "القاعده"، جنبش اسلامی ترکستان و سایر گروه ها و دسته بندی مشابه در سرزمین و اراضی متعلق بکشور عزیزما، که بگونه ای و بشکلی از اشکال، متحدان آن کشور در آسیای مرکزی را مورد تهدید و شانتاژ روز افزونی قرار می دهند، تشویش های معین خویش را دارند.

در مورد موجودیت دسته بندی ها و افراد و اشخاص مرتبط با آنها و چگونگی شیوه و روش حذف اسم برخی از آنها از فهرست سپاه باید گفت که موضوع فوق، در نوع خود، مسأله ای تاکتیکی بشمار می آید. شورای امنیت سازمان ملل از اجرای عملی و دقیق اصل مبارزه علیه تروریسم و بمنظور جلوگیری از پخش و گسترش سلاح های کشتار دستجمعی، بگونه ای نظارت به عمل می آورد. سایر دول کشورهای جهان اعلام نموده و متذکر گردیده اند که تنها پس از حذف نام این دسته بندی از فهرست مربوط بشورای امنیت سازمان ملل، می توانند اقدامات معینی در راستای اهداف تعیین شده توسط جامعه جهانی را در زمینه عمل مورد تطبیق قرار داده و اجرا نمایند. همه برین باورند که بشرط تشدید مبارزه علیه تروریسم و رعایت حقوق بشر، احترام و برسمیت شناختن حقوق و آزادی های بانوان کشور توسط "طالب" ها می توانند در زمینه حذف نام "طالب" ها از فهرست تحریم های شورای امنیت سازمان ملل با اقدامات عملی متوسل گردند. همه باین عقیده می باشند که تصمیم در مورد حذف نام "طالب" ها از فهرست سازمان های تروریستی، بایست در سازمان ملل اتخاذ گردد.

بربنیاد اظهارات دست اندرکاران مسایل مربوط بکشورما، "طالب" ها بصراحت اظهار نموده اند کاصلن قصد ورود به کشور و سرزمین دیگران را نداشته و همچنان بهیچوجه در صدد گسترش طرز تفکر و انتقال بینش های شان بکشورهای همجوار افغانستان نمی باشند. قابل یاددهانی پنداشته می شود که در نشست ها و گفتگوهای سیاسی تاکنون هیچگونه برنامه ای بهدف حذف عنوان "طالب" ها از جمع سازمان ها و دسته بندی های تروریستی اصلن موجود نمی باشد، اما عده ای برین باورند که ممکن در آینده ها، در امر برقراری تماس با "طالب" ها بمثابه واقعیت جدید موجود در افغانستان، مبادرت خواهند ورزید.

عمده ترین و درعین زمان مهمترین مسأله ای که اسباب کندی روند یادشده را بیاری می آورد، از جمله یکی هم موضوع عدم شکل گیری "دولت فراگیر" در کشور پنداشته می شود که نماینده های قومی - مذهبی در آن عضویت داشته و مجموع گروه ها و سایر شهروندان کشور بگونه مساویانه منافع و مصالح خویش را در آئینه آن مشاهده نمایند. اما "طالب" ها اصل فراگیر بودن را بشیوه خودشان و بربنیاد سلیقه های منحصر بفرد رهبران شان تلقی می نمایند. آنها اصل سهم دادن نماینده های "طالب" ها بنمایندگی از مناطق مختلف کشور در رهبری کنونی حاکمیت شان را، بخودی خود، بمثابه فراگیر بودن تلقی می نمایند.

اما بسیاری ها چنین می پندارند که دولت فراگیر در افغانستان نا کارآمدی خود را ثابت نموده است. بنابراین، بعوض این مدل، درباره گزینه های دیگری باید اندیشید. آنها همچنان تأکید بعمل می آورند که دولت "فراگیر" در افغانستان وجود داشت، اما با وجود حمایت های همه جانبه و گسترده کشورهای غربی و حاکمیت های سیاسی موجود در منطقه بمؤفقت های آنچنانی نایل نگردید.

اما حتا در امتداد ۴۵ سال پسین، اصلن نمی توان از موجودیت حاکمیت فراگیر در کشور سخن گفت. مسأله فراگیر بودن حکومت موقت "طالب" ها بمثابه تبلور موجودیت و حضور مساویانه نماینده های گروه های قومی - مذهبی کشور، یکی از مسایل عمده در دستور کار فرمت مسکو قرار داشت. اما با کمال تأسف که در مورد یادشده، پیشرفت های قابل دیدی اصلن بمشاهده نرسیده و از نحوه انکشاف بعدی قضایای موجود کشور نیز خبری در میان نمی باشد.

بخاطر باید داشت که فرمت مسکو در امتداد سال ۱۳۹۵ و بربنیاد یک میکانیزم مشورتی شش جانبه میان نماینده های ویژه افغانستان، روسیه، هند، ایران، چین و پاکستان مطرح گردید. نخستین نشست آن بتاريخ ۲۵ ماه حمل سال ۱۳۹۶ با شرکت و سهمگیری معاونان وزارت های امور خارجه و نماینده های ویژه ۱۱ کشور، بشمول نماینده افغا

نستان برگزار شد که هدف عمده ودرشت آنرا ترویج روند آشتی ملی و برقراری زودهنگام صلح سراسری در کشور عزیزما تشکیل می داد.

اما نباید فراموش خاطر ما گردد که برخی از ستیزه جویان و همچنان عده ای از فرماندهان "طالب"ها، حمایت و پشتیبانی شان را از "تحریک طالب های پاکستان" ابراز نموده و همچنان زمزمه هایی در مورد لزوم و ضرورت "انتقال جهاد از افغانستان به پاکستان" و احتمال تصرف قدرت سیاسی در اسلام آباد نیز بگوش می رسید. اما مراتب قدرت در اسلام آباد پاسخ داده اند که آمادگی های لازمی بمنظور نبرد با نیروهای جهادی روی میزقرار دارند. آنها همچنان مدعی گردیدند که در حدود ۵ هزار تن از جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان" در اراضی متعلق باافغانستان حضورداشته وبا استفاده از شرایط، بانجام اقدامات مسلحانه و تخریبکارانه علیه اهدافی درداخل پاکستان همچنان ادامه می دهند.

اما درشرایط ووضعیتهای کنونی، اسلام آباد نگران معضلات ومشکلات تشکیل و ایجاد دولت فراگیردراغانستان می باشد که می تواند شامل حامیان سیاسی آنکشور بوده که با استفاده از چنین فرصتی، بنحوی از انحاء علیه "تحریک طالب های پاکستان" بااقداماتی متوسل گردد. برای اسلام آباد این مهم است که درگیری ها و مخالفت های داخلی "طالب"ها به درگیری هایی میان حامیان گروها و رهبران مخالف در افغانستان مبدل نگردد که بگونه مستقیمی بر پاکستان نیزتأثیرگذار بوده واسباب تغییرقواعد بازی درداخل آنکشورخواهد گردید.

اما نباید فراموش نمود که تحریک "طالب"ها بمفهوم وسیع کلمه، در مورد طرح و تنظیم برنامه ژئوپولیتیکی بمنظورتعویض حاکمیت های سیاسی افغانستان وپاکستان و تشکیل و پایه گذاری "لوی پبنتونستان" که در برگیرنده بخش هایی ازقلمروکشورهای یادشده می باشد، تلاش بخرچ می دهند.

بسیاری از کارشناسان امور چنین پیشبینی می نمایند کاکراوضاع اقتصادی - اجتماعی درافغانستان و پاکستان از بد بدترگردد، "تحریک طالب های پاکستان" همراه با "طالب"های افغان، جنگ و درگیری های مسلحانه ای را بمنظور از میان برداشتن خط "دیورند" براه خواهند انداخت.

مسأله قابل بحث دیگر، از جمله یکی هم اینکه بن بست سیاسی بوجودآمده در نتیجه برپایی حاکمیت "طالب"ها در کشور، امکانات دستیابی بفرصت ها را برای کابل محدود نموده و از توانایی های سیاسی آنها نیز بگونه چشمگیری خواهد کاست.

تحركات، تکوین حوادث و چگونگی سیرو نحوه جریان پروسه سیاسی درکشور، این واقعیت را کاملن واضح و مبرهن نمود که مذاکرات وگفتگوهای میان ایالات متحده، قطر، پاکستان وتعدادی از کشورهای دیگر درمورد چگونگی ترکیب حاکمیت کنونی درکابل واصلاح رژیم "طالب"ها ادامه دارد.

گزارش ها وخبرهایی درمورد تلاش های نماینده ویژه ایالات متحده درامور مربوط بکشورما با برخی ازسیاستمداران مخالف بمنظور تشکیل و پایه گذاری دولت جدید نیز موجود می باشد. شرکای غربی درصدد استفاده از امکانات موجود درترکیه، قطر، ازبکستان، پاکستان، امارات متحده عربی وعربستان سعودی نیزمی باشند.

همچنان قبلن کشورهای یادشده از ایجاد و تشکیل ده کمیته ویژه بمنظورهماهنگ نمودن فعالیت های موردنظرو راه اندازی روند واحد وجدید سیاسی درافغانستان نیزخبرداده اند.

نبايد فراموش خاطرما شود که چشم اندازودورنمای تقسیم قدرت درکشورازاهمیت شایانی برخوردارمی باشد. اما با وجود اینهمه، "طالب"ها به مشوره هایی درمورد تشکیل وپایه گذاری حاکمیت فراگیردرکشورگوش ندادند، بنابراین چهارمین نشست در مورد یادشده در امتداد ماهای پایانی سال پار بدون مشارکت وسهمگیری آنها درمسکوبکارش آغاز نمود. ازنقطه نظرسیاسی، هردو جانب باین دیدارو گفتگو نیاز داشتند. برای مسکو می توان آن را یک امتیاز دیپلوماتیک تلقی نمود. "طالب"ها نیز به نشست یادشده از آنجهت نیازداشته وگشایش آنرا لازمی می پنداشتند، زیرا آنها عملن منزوی گردیده اند. با موجودیت وضعیت اینچنینی، درامتداد سال پار، دیپلومات های کشورهای خارجی نیزازتماس ودیداربا آنها عملن خودداری بعمل آوردند.